

پایه‌های اسلام، ایمان، احکام و شرایع از زبان امام علی(1)

حضرت صادق از پدران‌ش علیهما السلام روایت کردند که امیر المؤمنین سلام الله علیه فرمودند: من اسلام را طوری بیان می‌کنم که کسی قبل و بعد از من آن را چنان وصف نکرده باشد...



تعریف اسلام

1- غیاث بن ابراهیم گوید: حضرت صادق از پدران‌ش علیهما السلام روایت کردند که امیر المؤمنین سلام الله علیه فرمودند: من اسلام را طوری بیان می‌کنم که کسی قبل و بعد از من آن را چنان وصف نکرده باشد، اسلام یعنی تسلیم، تسلیم یعنی تصدیق، و تصدیق یعنی یقین، و یقین یعنی اداء، و اداء یعنی عمل کردن به آن.

مؤمن دین خود را از خداوند خود گرفته است، و از نزد خود آن را نیاورده و با نظریه خودش آن را انتخاب نکرده است، ای مردم از دین خود دست باز ندارید، و به آن چنگ بزنید و متوجه باشید کسی شما را از آن دور نکند و منحرفتان نسازد، زیرا گناه در آن بهتر از نیکی در غیر آن می‌باشد گناه در دین آمرزیده می‌شود ولی حسنه بدون دین مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد.

2- مجاشعی از امام صادق و او از پدران‌ش علیهم السلام روایت می‌کند که علی علیه السلام فرمود: اسلام یعنی تسلیم و تسلیم یعنی یقین و یقین یعنی تصدیق و تصدیق یعنی اقرار و اقرار هم به معنی اداء و عمل می‌باشد.

3- علی بن ابراهیم به سند خود از علی علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: من اسلام را چنان وصف می‌کنم که کسی قبل از من و بعد از من آنچنان آن را وصف نکرده باشد، اسلام بمعنی تسلیم است، و تسلیم بمعنی یقین است، و یقین یعنی تصدیق و تصدیق یعنی اقرار و اقرار یعنی اداء و اداء هم یعنی عمل و کار بردن آن.

احکام و شرایع

1- یکی از راویان از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: خداوند متعال به محمد صلی الله علیه و اله شریعت نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهما السلام را عطا فرمود و آنها عبارتند از توحید، اخلاص و دور انداختن آنچه آدمی را از یاد خدا ببرد و او را از خدا غافل گردانند.

خداوند محمد صلی الله علیه و اله را برانگیخت تا فطرت مردم را بار دیگر متوجه خدا کند، و شریعت سهل و آسان را به او بخشید تا مردم احکام آن را مورد عمل قرار دهند، در اسلام ترك دنیا و جهان گردی و سیاحت وجود ندارد، آنچه پاك است در اسلام حلال شده و پلیدیها در آن حرام گردیده و سختیها را از دوشها برداشته و سنگینیها را از آنها برطرف کرده است.

خداوند فضیلت آن دین و شریعت را بیان کرده، و بعد نماز و زکاة و روزه و حج را واجب کرد و آنها را به امر به معروف و نهی از منکر موظف فرمود، و حلال و حرام را بیان کرد و ارث و حدود و فرائض و جهاد را برای آنها تشریع نمود و وضوء را برای آنها معین ساخت. خداوند متعال شریعت او را به سورة فاتحة الكتاب و آیات آخر سورة بقره و دیگر سوره‌های مفصل بر سایر شرایع برتری داد، غنایم جنگی و انفال را برای او حلال کرد، و او را با افکندن ترشش بر دل‌های دشمنان یاری کرد و زمین را برای او سجده‌گاه و پاك‌کننده قرار داد.

خداوند متعال او را برای دعوت همه مردم روی زمین فرستاد، و او را امر کرد تا جن و انس و سیاه و سفید را به طرف خدا دعوت کند، و او را امر کرد تا از مشرکان جزیه بگیرد و آنها را اسیر کند و با فدیة آزادشان سازد بعد او را تکلیفی کرد که هیچ يك از پیامبران را تکلیف نکرده بود، خداوند برای او شمشیری بدون غلاف فرستاد و او را امر کرد در راه خدا جنگ کند و خود را به مشقت بیاندازد.

2- سماعه گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم تفسیر آیه شریفه فاصْبِرْ کَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعِزْمِ مِنَ الرُّسُلِ چیست فرمود: آنها عبارتند از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلوات الله علیهم، گوید: عرض کردم اولو العزم چیست و چگونه آنها را اولو العزم گفته‌اند.

امام فرمود: برای اینکه نوح دارای کتاب و شریعت بود، و هر کس بعد از وی آمد به کتاب و شریعت نوح عمل کرد و راه او را گرفت تا آنگاه که ابراهیم آمد و صحف را با خود آورد و کتاب نوح را ترك کرد و این عمل ابراهیم برای این نبود که کتاب نوح را معتبر نداند و یا آن را انکار کند.

بعد از آن هر پیامبری که آمد به شریعت و کتاب ابراهیم علیه السلام کار کرد و راه او را دنبال نمود و به صحف عمل کرد تا آنگاه که موسی علیه السلام آمد و تورات آورد و صحف را ترك کرد، و پیامبران بعد از موسی علیه السلام به تورات موسی عمل کردند و راه او را گرفتند.

بعد از آن عیسی علیه السلام آمد و انجیل را آورد و شریعت موسی و راه او را ترك نمود و پس از آن پیامبران به شریعت عیسی و انجیل او عمل کردند، تا هنگامی که حضرت محمد صلی الله علیه و اله آمد و قرآن و شریعت دیگری را آورد، اینک حلال محمد تا روز قیامت حلال و حرام او هم حرام می‌باشد، این‌ها هستند پیامبران اولو العزم.

3- امام علیه السلام در تفسیر آیه شریفه شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ وَ آيَةٍ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ فرمود: یعنی دین را یاد بگیرید و آن عبارت است از توحید و برپا داشتن نماز و دادن زکاة و روزه ماه رمضان و حج خانه خدا و سنن و احکام

که در کتب آسمانی آمده است، و هم چنین ولایت امیر المؤمنین علیه السلام. شما از هم پراکنده نشوید و در قرآن اختلاف نکنید، و بر مشرکان گران می‌آید در آن هنگام که شما آنها را به طرف شریعت دعوت می‌کنید. بعد از آن فرمود: **اللَّهُ يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ** یعنی اختیار می‌کند و بر می‌گزیند و **يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ** یعنی امامان که خداوند آنها را برگزیده است.

در تفسیر آیه شریفه **وَمَا تَقْرَؤُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْيَا يَبِيتُهُمْ** فرمود: آنها از روی جهل و نادانی با هم اختلاف نکردند ولی بعد از اینکه برای آنها علم آمد با هم اختلاف کردند و بر یک دیگر حسد بردند و به هم ظلم و ستم نمودند، و این در هنگامی بود که فضیلت امیر المؤمنین علیه السلام را دیدند که خداوند چگونه او را بر دیگران امتیاز داده است.

آنها بعد از این هر کدام به راهی رفتند و به آراء و هواهای خود گرفتار شدند بعد از این در تفسیر آیه شریفه **وَلَوْ لَا كَلِمَةُ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى لَفُضِّي بَيْنَهُمْ** فرمود: اگر خداوند برای آنها روز معینی قرار نداده بود، و از روز نخست سرنوشتی برای آنان معین نمی‌کرد هر آینه آنها را در هنگام اختلاف انداختن هلاک و نابود می‌ساخت و به آنها مهلت نمی‌داد.

ولی خداوند به آنها مهلت داد و تا هنگام تعیین شده مرگ آنها را به تأخیر افکند، و در تفسیر آیه مبارکه **وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ** فرمود: این کنایه از کسانی است که امر رسول خدا صلی الله علیه و اله را نقض کردند و در معنی **فَلِذَلِكَ فَادَعُ** فرمود: یعنی مردم را به این اموری که ذکر شد و دوستی امیر المؤمنین علیه السلام فراخوان و به آن چه امر شده‌ای ثابت باش.

پایه‌های اسلام و ایمان

1- ابو حمزه گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: اسلام بر پنج پایه استوار شده است نماز، زکاة، روزه، حج و ولایت و در آن میان ولایت از همه مهمتر است.

2- فضیل از امام علیه السلام روایت می‌کند که اسلام پنج پایه دارد که آنها عبارتند از نماز، زکاة، روزه حج و ولایت، ولی مردم آن چهار را گرفتند و ولایت را ترك کردند.

3- عجلان گوید: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم مرا از حدود ایمان آگاه گردان، فرمود نخست شهادت بر وحدانیت خداوند و رسالت به نبوت محمد صلی الله علیه و اله، و اقرار به آنچه از طرف خداوند فرود آمده است.

نمازهای پنج‌گانه، پرداختن زکاة مال، روزه داشتن در ماه مبارک رمضان، حج خانه خدا دوستی با دوستان ما و دشمنی با دشمنان ما، و همراهی با راستگويان و هم‌نشینی با آنها.

4- عزری از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: اسلام روی سه پایه قرار دارد، نماز، زکاة و ولایت، و هر يك از آنها بدون دیگری کفایت نمی‌کند.

5- سلیمان بن خالد گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: آیا تو را از اصل و فرع اسلام و مقام رفیع آن اطلاع ندهم، عرض کردم قربانت گردم بفرمائی، فرمود: اصل اسلام نماز است، و فرع آن زکاة می‌باشد، و قله بلند آن جهاد است.

بعد از این فرمود: اگر می‌خواهی تو را به ابواب خیر آگاه گردانم، گفتم بفرمائی فرمودند: روزه سیری است که شما را از آتش حفظ می‌کند و صدقه گناهان را می‌برد، و به پا خاستن در دل شب آدمی را به یاد خدا می‌اندازد و بعد این آیه شریفه را تلاوت کردند **تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ**.

6- عبد الله بن عجلان گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: اسلام بر پنج پایه استوار است بر ولایت، نماز، زکاة، روزه ماه رمضان و حج خانه خدا.

7- فضیل از حضرت باقر علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: اسلام بر پنج پایه قرار دارد، ولایت و نماز و زکاة و روزه و حج و اعلام ولایت در روز غدیر از همه آنها مهمتر می‌باشد.

8- عبد الحمید از دی گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمود: خداوند پنج چیز را بر بندگان خود واجب کرده است، در چهار عدد آنها شرط قرار داده و در یکی شرط نگذاشته است.

9- زراره از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: اسلام بر پنج پایه گذاشته شده است نماز، زکاة روزه، حج و ولایت، زراره گوید: گفتم کدام يك از آنها افضل می‌باشند فرمود: ولایت از همه آنها افضل است و کلید آنها می‌باشد و راهنمای مردم به آن چهار پایه هست.

گوید: عرض کردم بعد از ولایت کدام يك فضیلت دارند، فرمودند: نماز زیرا رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: نماز ستون دین شما است، گوید: گفتم: بعد از نماز کدام يك از آنها بهتر هستند فرمودند: زکاة زیرا زکاة همواره با نماز قرین می‌باشد نخست نماز را می‌گوید و بعد زکاة را، و رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: زکاة گناهان را می‌برد.

گوید: عرض کردم بعد از آن کدام است فرمود: حج خداوند متعال می‌فرماید هر کس استطاعت دارد باید خانه خدا را زیارت کند و حج بجای آورد و هر کس کافر شد و خانه خدا را زیارت نکرد خداوند هم از همه جهانیان بی‌نیاز می‌باشد، و احتیاجی به حج آنان ندارد.

رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: يك حج مقبول بهتر از بیست نماز مستحبی می‌باشد و هر کس خانه را طواف کند و هفت عدد کامل دور خانه بگردد و دو رکعت نماز آن را با آداب و ارکان انجام دهد خداوند او را رحمت می‌کند و رسول اکرم در عرفه و مزدلفه در باره حج آنچه بود فرمودند.

گوید: عرض کردم بعد از آن کدام است فرمود: روزه گفتم چرا روزه را بعد از همه ذکر کردند، فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمودند: روزه سیری است که آدمی را از آتش حفظ می‌کند، امام علیه السلام گفتند: بهترین عمل آن است که هر گاه آن عمل از تو فوت شد نیازمند به توبه نباشد و تو بتوانی عین آن عمل را بار دیگر انجام دهی.

نماز و زکاة و حج و ولایت را باید عمل کرد و به آن اعتقاد داشت و چیزی دیگر جای آنها را نمی‌گیرد، ولی روزه اگر از تو فوت شد و یا به مسافرت رفتی می‌توانی در روزهای دیگر قضاء آن را بگیری و یا کفاره آن را بدهی که قضائی هم برای تو نخواهد ماند و هیچ يك از آن چهار عمل مانند روزه به تو پاداش نمی‌دهد.

بعد از آن فرمود: بالاترین و والاترین موضوع که کلید و در همه اشیاء می‌باشد، و خوشنودی خداوند هم در آن هست اطاعت امام و شناخت اوست، خداوند متعال می‌فرماید: هر کس از پیامبر اطاعت کند مانند این است که از خدا اطاعت کرده باشد، و هر کس از او دوری کند ما تو را برای نگهبانی او نفرستاده‌ایم.

آگاه باشید اگر مردی شب‌ها نماز بگذارد و روزه بگیرد و همه اموال خود را انفاق کند، و هر سال حج بجای آورد ولی ولایت ولی خدا را نشناسد و کارهایش بدون راهنمایی او باشد در نزد خداوند پاداشی نخواهد داشت و از اهل ایمان به حساب نخواهد آمد، بعد فرمود: خداوند با فضل خود نیکوکاران را وارد بهشت می‌کند.

10- ابو الیسع گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم مرا از پایه‌های اساسی اسلام مطلع کنید، آن پایه‌هایی که باید همه آنها را بشناسند و اگر نشناختند دینشان نقصان پیدا می‌کند و عملشان مورد قبول واقع نمی‌شود، ولی هر کس به آنها معرفت حاصل کرد اعمالش درست و پذیرفته خواهد شد و امور دینش اصلاح خواهد گردید.

امام علیه السلام فرمود: پایه‌های اسلام عبارتند از شهادت به وحدانیت خداوند متعال و ایمان به رسالت محمد علیه السلام و اقرار به آن چه از طرف خدا نازل شده، و پرداختن زکاة از اموال و ولایت که خداوند به آن امر کرده و آن ولایت آل محمد علیهم السلام می‌باشد.

راوی گوید: گفتم آیا علامتی دارد که هر کس آن را دارا بود شناخته شود، فرمود: آری خداوند متعال می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا و رسول و اولو الامر اطاعت کنید و رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد در جاهلیت مرده است.

رسول اکرم و علی علیهما السلام بودند ولی گروهی دنبال معاویه رفتند، بعد از آن حسنین علیهما السلام بودند ولی جماعت طرف یزید رفتند، بعد از این امام سکوت کردند، و سپس فرمودند باز بگویم، حکم اعور گفت: آری بفرمائید قربانت گردم.

امام علیه السلام فرمود: بعد از آن علی بن الحسین آمد، و بعد ابو جعفر محمد بن علی آمد، و شیعیان قبل از ابو جعفر مناسک حج و حلال و حرام خود را نمی‌دانستند، و این ابو جعفر بود که مسائل حج را برای شیعیان روشن کرد و حلال و حرام را جهت آنها بیان فرمود.

مردم تا آن زمان محتاج دیگران بودند و برای مسائل دینی خود بجای دیگر می‌رفتند ولی اکنون به ابو جعفر احتیاج دارند، و این مطلب همین طور خواهد بود، و زمین هیچ گاه خالی از امام نخواهد بود و هر کس بمیرد و امامش را نشناسد در نادانی مرده است، و تا هنگام مرگ شما به امام نیاز دارید.

11- سکونی از حضرت صادق علیه السلام روایت می‌کند که امیر المؤمنین سلام الله علیه فرمود: ایمان دارای چهار رکن است توکل بر خداوند و واگذاری امور به او و رضایت به آن چه خداوند خواسته و تسلیم کارها به او.

12- عبد العظیم بن عبد الله حسنی از حضرت جواد و او از پدرانش علیهم السلام روایت می‌کند که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمودند: خداوند اسلام را آفرید و برای او فضاء و عرصه‌ای قرار داد، و همچنین نوری و حصنی و بارویی برای او مقرر کرد، عرصه آن قرآن و نورش حکمت و حصنش کارهای نیک می‌باشند ولی انصار و یاری‌کنندگان آن من و اهل بیت و شیعیان ما هستند، اینک اهل بیت و شیعیان و یاران آنها را دوست بدارید.

هنگامی که مرا در شب معراج به آسمانها می‌بردند جبرئیل مرا به اهل آسمانها معرفی کرد، از آن هنگام خداوند محبت من و خاندانم و شیعیان آنها را در دل فرشتگان گذاشت و آن محبت در نزد آنها بعنوان ودیعه تا روز قیامت خواهد بود.

بعد از این مرا بطرف زمین آورد و مرا به آنها هم شناسانید، و خداوند محبت من و اهل بیت و شیعیان آنها را در دل مؤمنان اتمم گذاشت، مؤمنان امت من ودایع مرا در میان خود تا روز قیامت حفظ و حراست خواهند کرد.

اکنون آگاه باشید اگر مردی از امت من همه عمرش را در دنیا به عبادت و پرستش خداوند بگذراند، و بعد از جهان برود و روز قیامت در حالی حاضر شود که با اهل بیت من و شیعیان آنها عناد و بغض داشته باشد خداوند دل او را از نفاق پاک نخواهد کرد.

13- علی علیه السلام در یکی از خطبه‌های خود فرمود: اسلام دین خدا می‌باشد که آن را برای خود برگزید و به خویشتن اختصاص داد و اساس و پایه‌های آن را مخصوص خود گردانید، و او را به بهترین مخلوقات خود عطا کرد تا آن را در جهان تبلیغ کند و به مردم برساند.

خداوند متعال چون به اسلام علاقه داشت پایه و اساس آن را بطوری که دوست داشت استوار کرد، ادیان را با عزت اسلام از اعتبار انداخت و ملت‌ها را با سر بلندی اسلام از مقامی که داشتند پائین آورد، و دشمنان خود را با بزرگداشت اسلام خوار ساخت و آنان را رسوا نمود.

پایه‌های گمراهی و ضلالت را بوسیله اسلام درهم کوبید و پایه‌های آن را فرو ریخت، و تشنگان را از حوض‌های آن سیراب کرد و حوض را به وسیله افرادی که به او نزدیک بودند پر نمود، بعد از آن اسلام را طوری پایه گذاشت که هرگز رشته‌های آن سست نمی‌کردند و از هم قطع نمی‌شوند.

اسلام بسیار محکم و استوار است حلقه‌هایش از هم باز نمی‌شود و اساس آن واژگون نمی‌گردد و پایه‌های آن از هم گسسته نمی‌شوند، ریشه درخت آن قطع نخواهد شد، و مدت‌ها پایان نخواهد گرفت احکام آن کهنه نمی‌گردند و فروع آن از هم بریده نمی‌شوند.

راه‌های اسلام تنگ نیستند و سنگ و صخره در آن وجود ندارد، راهی است وسیع و نرم و ملایم که رهبران به سهولت در آن حرکت می‌کنند، اسلام صاف و روشن است سیاهی و تیرگی در آن دیده نمی‌شود و در قامت آن کجی و انحناء نیست و مستقیم می‌باشد. قامتش راست و بر همگان واضح است، راهش پیچ و خم ندارد و مشکلات و خستگی در آن نیست، نورش هرگز خاموش نمی‌شود، شیرینی او هرگز بتلخی نمی‌گراید، پایه‌های آن در حق فرو رفته و استوار شده است و اساس آن محکم و مقاوم می‌باشد. از چشمه‌های اسلام آب فراوانی جاری است، و چراغ‌های نورانی و پر فروغ هستند، و اسلام مانند مشعل درخشانی است که راه روان از آن نور می‌گیرند و در روشنایی آن حرکت می‌کنند و در کوه‌ها و دره‌ها از آن راه پیدا می‌نمایند و به منزل مقصود می‌رسند.

اسلام آب گاهی است که تشنگان از آن سیراب می‌گردند، خداوند رضایت خود را در پیروی از آن دین قرار داده و پایه‌های اساسی و قله بلند طاعت خود را در آن گذاشته است، اسلام در نزد خداوند اساسش استوار و کاخش رفیع و بلند می‌باشد. اسلام دارای برهانی روشن است که همه آن را مشاهده می‌کنند و شعله‌های فروزان آن همه جا پرتو افکنده است حکومت اسلام بر همه غالب است، نورش بر همه اشراق دارد، کسی قدرت ندارد آن را عاجز و ناتوان کند، اینک به وسیله اسلام خود را شرف دهید و از آن پیروی نمائید و حقش را اداء کنید و احترامش را مراعات نمائید.

14- امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: ستایش مخصوص خداوندی است، که اسلام را آشکار کرد و راه‌های آن را برای مردم آسان نمود، و ارکان و پایه‌های آن را عزت داد و آن را بر مخالفان پیروز گردانید، و آن را محل امنی برای علاقمندان ساخت. اسلام را برای کسانی که وارد آن شدند محل آرام و سالمی ساخت، و برای کسانی که بخواهد سخن بگویند برهان و حجت قرار داد، و برای آنهایی که بخواهند با دشمن مخاصمه کنند شاهد و گواه می‌باشد، اسلام نوری است که به وسیله آن می‌توان تاریکی‌ها را از هم شکافت و به حقیقت رسید.

اسلام برای کسانی که بخواهند عقل خود را بکار گیرند درک آنها را زیاد می‌کند، و برای متفکران و اندیشمندان موجب زیادی شعور و درک می‌باشد، اسلام راهنمایی است برای کسانی که بخواهند از حقائق و علوم آگاهی پیدا کنند، و برای آنهایی که تصمیم دارند بینائی می‌آورد. اسلام برای عبرت‌گیرندگان موعظه می‌باشد، و برای راست گویان راه نجات است، و برای آنها که اهل توکل هستند مورد اعتماد هست و آنهایی که بخواهند امور خود را به خداوند واگذارند موجب آسایش و اطمینان می‌باشد.

اسلام بهشتی است برای صابران، راهش روشن و صاف و بدون پیچ و خم می‌باشد، علامت‌های راهنمایی را همه مشاهده می‌کنند و کم نمی‌گردند زیرا راه‌ها روشن و مستقیم است، چراغ‌ها در آن روشن هستند و مردم را هدایت می‌کنند.

مسابقه دهندگان اسلام همه بزرگوار و شریف هستند، زیرا هدف و غایت عمل آنها بسیار بلند می‌باشد، آنها اسب سواران و مسابقه دهندگانی هستند که برای رسیدن به حق و حقیقت با هم مسابقه می‌دهند و اسب می‌تازند.

آنها برای رسیدن به راه هدایت و رستگاری و اعمال نورانی و شایسته به این گونه مسابقات دست می‌زنند، پایان مسابقه آنها مرگ می‌باشد، دنیای جای مسابقه و اسب دوانی آنها بوده و در آن جا با هم نبرد می‌کنند و برای رسیدن به مقصود مبارزه می‌نمایند، پایان کار مسابقه آنها قیامت و بهشت می‌باشد. علی علیه السلام در باره ایمان فرمود: ایمان دارای چهار پایه است صبر، یقین، عدل و جهاد صبر هم چهار شعبه دارد، شوق، ترس، زهد و مراقبت هر کس شوق بهشت داشته باشد از هوسها و شهوات دست باز می‌دارد، و هر کس از آتش دوزخ بترسد از محرمات دوری می‌کند، هر کس زهد اختیار کند مصیبت‌ها را خوار می‌داند، و هر کس مراقب مرگ باشد در کارهای نیک شتاب می‌کند.

یقین هم چهار شعبه دارد: هوش، بصیرت، حکمت، پند و عبرت، از روش گذشتگان، هر کس بینائی برایش حاصل شد از حکمت استفاده می‌کند، و هر کس حکمت را شناخت، موارد اعتبار را می‌شناسد، و هر کس موارد عبرت را شناخت مانند گذشتگان خواهد بود و از آنها پند خواهند گرفت.

عدل هم چهار شعبه دارد، فهم و درک عمیق، دانش وسیع بینائی در حکمت، و رسوخ در علم، هر کس نیروی فهمش زیاد شد در علم رسوخ پیدا می‌کند، و هر کس در علم به کمال رسید از احکام شریعت استفاده می‌نماید، و هر کس بردبار باشد در کارهایش افراط نمی‌کند و در میان مردم به خوشی زندگی خواهد کرد.

جهاد هم چهار شعبه دارد، امر به معروف و نهی از منکر، و صداقت در هنگام جنگ و جهاد، و دوری از فساد، هر کس امر به معروف کند پشت مسلمانان را محکم می‌کند و هر کس نهی از منکر نماید منافقان را رسوا می‌کند و پوزه آنها را به خاک می‌مالد، هر کس در جنگ صبر کند حکم خدا در باره او جاری می‌گردد، و هر کس از فاسقان دوری کند و برای خداوند غضب کند خداوند روز قیامت وی را خوشنود می‌گرداند.

کفر هم دارای چهار شعبه می‌باشد، تعمق، تنازع، چرکی دل، و شقاق، هر کس زیاد پی‌گیر باشد به حق سر فرود نمی‌آورد، هر کس در کارهای جاهلانه نزاع کند حق را مشاهده نخواهد کرد، هر کس دلش سیاه شد نیکی در نزد او زشت و زشتی در نظرش نیک جلوه می‌کند و در مستی و گمراهی گرفتار می‌شود، و هر کس اهل شقاق و مجادله باشد راه‌ها بر او سخت می‌شود و راه بیرون شدن را پیدا نمی‌کند.

شک هم بر چهار قسم است: جدال، ترس، تردید، و تسلیم شدن، هر کس اهل مرء و جدال باشد شب‌ها را به صبح نمی‌رساند، و هر کس از آینده ترس داشته باشد به عقب برمی‌گردد، و هر کس مردد باشد زیر پاهای شیاطین فرو می‌رود، و هر کس تسلیم حوادث دنیا گردد در همان دنیا هلاک خواهد شد.

15- اصبع بن نباته گوید: ما گروهی در منزل امیر المؤمنین علیه السلام بودیم، در این هنگام امیر المؤمنین سلام الله علیه دستور دادند این مطلب را از روی نوشته‌ای برای ما خوانند: خداوند متعال اسلام را تشریح فرمود، و راه‌های آن را برای طالبان و واردشدگان در آن شریعت آسان گردانید، خداوند ارکان آن دین را عزت بخشید و آن را پناهگاه قرار داد.

دین اسلام برای کسانی که بخواهند وارد آن دین شوند محل سالمی قرار داده است، و هر کس بخواهد هدایت شود آن را جای هدایت کرده است، و هر کس بخواهد خود را زینت بخشد بوسیله این دین می‌تواند خود را زینت دهد و هر کس اسلام را قبول کند عذری نخواهد داشت.

شریعت مقدس اسلام ریسمانی است که باید به آن چنگ زد و به آن آویخت، اسلام برهانی است که بوسیله آن می‌توان سخن گفت، و نوری است که به سبب آن می‌توان روشنائی گرفت، و شاهی است که به وسیله آن می‌توان با خصم احتجاج کرد. اسلام دینی است که بوسیله آن می‌توان مخالفان را از میدان بحث بیرون کرد، و دانشی است که می‌توان آن را حفظ نمود، و حدیثی است که می‌توان آن را روایت کرد، و حکمی است برای آنهایی که می‌خواهند در امور قضاء داوری کنند، و حلمی است که بوسیله آن می‌توان تجربه‌ها اندوخت.

اسلام دینی است که بوسیله آن می‌توان تفکر و تدبیر کرد و فهم و شعور پیدا نمود، و یقین بدست آورد، و اسلام شریعتی است که در تصمیمات به انسان بینائی می‌دهد، و راه درك حقائق را برای آدمیان باز می‌کند، و برای کسانی که بخواهند پند گیرند مواعظ و اعتبار می‌آورد.

هر کس بخواهد راست بگوید اسلام او را نجات می‌دهد و هر کس بخواهد کاری را اصلاح کند به او تدبیر و دوراندیشی می‌دهد و هر کس بخواهد خود را نزدیک کند او را می‌آراید، و برای متوکلان اسلام مورد اعتماد می‌باشد، و هر کس بخواهد کار خود را به خدا واگذارد اسلام او را نجات می‌دهد.

اسلام وسیله مسابقه است برای کسانی که بخواهند به نحو احسن از مسابقه بهره برداری کنند، و آنها که بخواهند در کارهای خیر شتاب داشته باشند اسلام به آنها کمک می‌کند، اسلام برای صابران بهشت می‌باشد و برای پرهیزگاران پوشش خواهد بود و اسلام پشتیبان رستگاران است.

اسلام برای کسانی که بخواهند در آرامش بسر برند جای امنی هست، و در آن جا از هر گزند سلامتی خواهند بود، و برای راستگویان جای امید و برای توانگران محل قناعت می‌باشد اسلام حق است و راه هدایت در آن قرار دارد، مجد و عظمت از نشانه‌های او می‌باشد و صفات نیک در آنجا هست.

اسلام راهش روشن و اعلامش درخشنده و چراغش فروزان می‌باشد، اسلام هدفی بلند دارد و در مسابقات و میدان‌های اسب دوانی بیش از همه بطرف مقصود می‌شتابد، و به هدف نهائی که سعادت باشد می‌رسد، اسلام از ستمگران انتقام می‌گیرد و وسائل کافی وعده برای جهاد دارد، و دارای سواران شریف و بزرگوار می‌باشد.

راه اسلام همان ایمان است، و کارهای نیک روشنائی دهنده راه اسلام می‌باشند، فهم و شعور و درك چراغهای آن هستند که بوسیله آنها راه پیدا می‌کنند، دنیا محل مسابقه مسلمان است و مرگ هدف او می‌باشد و قیامت آخرین سیر او هست. مؤمن برای رسیدن به بهشت مسابقه می‌دهد و از آتش دوزخ دوری می‌کند، تقوی و پرهیزگاری اسحله او می‌باشد و نیکوکاران سواران او هستند، بوسیله ایمان می‌توان بکارهای نیک رسید، و با کارهای نیک می‌توان فقه را آباد کرد، و به وسیله فقه می‌توان از مرگ ترسید.

مرگ آدمی پایان زندگی در دنیا می‌باشد، و در دنیا باید گذشتن از روز قیامت را فراهم کرد و از عذاب آن خود را آسوده کرد، در روز قیامت بهشت را آرایش می‌دهند، و با زینت‌ها می‌آرایند در آن روز بهشت برای دوزخیان موجب حسرت و ندامت می‌گردد، و آتش سبب عبرت پرهیزگاران می‌گردد و تقوی و پرهیزگاری از سنخ ایمان می‌باشد.

نویسنده: سید خلیل - شاکری